



۲۰۲۲/۰۴/۰۸



دوکتور محمد اکبر یوسفی

## «ناسیونالیزم فرهنگی» مفهوم مطلوب نیست!

«می توان گفت، که فاشیسم به هنر قدیمی که دروغ می گفت تا حدی، طرح نو علاوه نموده است - نوع شیطانی ترین، که آدم می تواند فکر کند - آنهم بصورت صحیح دروغ گوید.»  
("هنا آرینت")

از تاریخ ۲ اپریل ۲۰۲۲م بعد، که خبر مرگ یک دوست محترم و بزرگوار راشنیده ام، در حالت ناتوانی و محدودیت ها، اندیشه های گوناگون بر من غلبه کرده است که اگر ممکن باشد، نام ولی احمد نوری برای ابد، ذهن نسلهای بعدی را بدرقه بتواند. شخصیت او و هم در آن راهی که ایشان تمام عمر را پُر حاصل سپری کرده اند، کافی نیست که تنها سوز دل را انعکاس داد و یا، تنها تسلیت و یا "زمان ها" نوشت. ولی احمد نوری طوری که قبلاً در خصوص ایشان، کلمه "یکتا" ذکر نمودم، یعنی "یگانه" انسانی، که "کاپی مطلق" ایشان در جهان، نه حال و نه هم در آینده و



("ناسیونالیزم" از کله ها بیرون ساخته شود)

تا ابد وجود خواهد داشت، باید همان شخصیت با صفات متعدد، که تمام زندگی خود شانرا در حفظ "شعور ملی" و "وطن دوستی" سپری نموده اند، حفظ گردد. به عبارت دیگر نه تنها از ارزش های کلتور های مختلف و خلاقیت کلتوری انسانهای جهان، که در مجموع در حد امکان و توان بهره برده اند، بلکه هر آنچه را که انسان ها، برای بشریت، "خلق" کرده اند، با حفظ مالک اصلی، از

آن، بهره برداری توصیه می نموده اند. اما با توجه به استعداد و حوصله خاص ایشان، خود آنچه را که در سر زمین آبائی خود به عنوان ایجاد شده می شناخته، با مهر مشخص، میراث این وطن نشانی می نموده اند و با تفکیک از ارزشهای دیگران، به آن نظر می کرده اند و همینکه می دیده اند، که مردم افغانستان در استفاده از آن لذت می برند

و برای آنها به عادت مبدل گردیده است، ترجیح می‌داده‌اند که حفظ شود. این نوع علاقمندی را می‌توان محصول "شعور ملی" دانست، نه اینکه با مفهوم "ناسیونالیزم" منفور که مسئله "برتری" بر دیگران و تسلط بر دیگران را نیز با خود می‌داشته باشد، با وجوه مشترک یاد کرد. به عبارت دیگر، شاد روان ولی احمد نوری، به هیچ صورت نسبت به خلاقیت کلتوری دیگر مردمان نفرت نداشته‌اند. تا حدی می‌تواند تعجب آور باشد، که "آریانا افغانستان آنلاین" این مطلب را که: «**ولی احمد نوری یکی از مدافعین سرسخت ناسیونالیزم فرهنگی بود**»، نشر می‌کند. از یک طرف یک ادعای یک فرد است، و در حالی منتشر می‌سازد که از یک طرف از دید دیگران که آن شاد روان را هم چنان می‌شناخته‌اند، درست نیست و از جانب دیگر، آنچه را به حیث برداشت خود، حال وقتی ذکر می‌کند که تا همین لحظه پیکر بیجان محترم نوری، زیر خاک نشده است و ما نمی‌توانیم در باره تعیین درجه حقیقت موضوع، از شاد روان بپرسیم و یا مطالعه لازم را انجام دهیم. اما خوشبختانه که ولی احمد نوری فراموش ناشدنی، آثار و نوشته‌های کافی از خود به میراث مانده‌اند. جمله دیگر خیلی عجیب اینست، که در رابطه با دوران مکتب و در سنین نوجوانی، چنین ادعا دارد: «**مرحوم ولی احمد نوری در وقفه تفریح لیسسه همیشه در کنار دو فرزند شاه که شامل لیسسه بودند قرار داشت. اراکین لیسسه اعم از شاگردان و معلمین وی را به مثابه پل ارتباط میان فرزندان شاه و سائترین قیاس کرده و حرمت می‌گذاشتند**». عجیب است، آیا "اراکین" واقعاً نیازمند چنین یک "پل" ارتباط بوده‌اند. آیا پسران پادشاه حق نداشته‌اند که مانند دیگر جوانان خود آنها را "متعلم" با مسؤلیت مساوی با دیگران احساس نموده و در راه آموزش از حق مساوی کار گیرند و در باره مکلفیت مساوی آنها هم، خود آزاد فکر کنند. آیا مرحوم نوری درین نقش مؤظف بوده‌اند؟ این جملات چه مفهوم را ارائه نموده است. در تصویر فوق اقلأ پس از ۸۳ سال نشان می‌دهد، که مردمان اروپا که تلاشهای اعمار و استقرار دیموکراسی را به کار برده‌اند، تا به حال نیازمند آن‌اند تا «سمبول منفور» «ناسیونالیزم» را از مغز نسلهای بعدی، با اجرای «عملیات» بیرون کنند. اما نویسنده افغان این اصطلاح "ناسیونالیزم" را بر یک شخصیت دیموکرات که هوادار حفظ محیط زیست نیز بوده‌اند و در انتخابات اخیر بطور مثال، طوری که خود ایشان یاد کرده‌اند، سیاست "حزب سبزها" مورد حمایت ایشان شناخته شده است. حال که تا ۹ اپریل جسد بیجان، ولی احمد نوری محترم، در محافظت خانواده و انسانهای نیکو کار، که به موجود انسان احترام می‌گذارند خواهد بود و بعد به خاک سپرده می‌شود، باید توجه شود که از نام آن شخصیت محترم که علاقه به کشور و مردم خود داشته است، نه باید هر کس و نا کس، با کاربرد احتمالی "ماسک"، به هدف کسب شهرت برای خود، از نام ایشان، کار گیرد و حرف‌ها و داستانهای دور از حقیقت و ذهنی ساختگی را هم روی صفحات بیاورند. برخلاف باید در فکر آن بود که این افغان تحصیل یافته فرانسه که زندگی شخصی و خانوادگی، اوشان، همزمان با "الیاز" کلتور "افغان" و "فرانسوی - اروپائی"، نیز سهمیم بوده‌اند، در قدم اول در پاریس برای ایجاد یک "مرکز فرهنگی"، تدارک دیده شود، و هم چنان در فرصت مناسب یک "مکتب" و یا "مؤسسه فرهنگی" در کشور پدری، نام ایشان را داشته باشد، تا نسلهای بعدی او را با خدمات شان فراموش نکنند. این نویسنده، فقط وقتی حرف یکی از رهبران «جهادی» به نام «اکبری» را در یک صحبت تلویزیونی شنیده است، که به جای کلمه "افغان" که هویت تعریف شده برای همه اتباع افغانستان بوده است، "افغانستانی" به زبان آورد، در همان وقت، این مطلب "هویت ملی افغان"، تحریر و به "افغان جرمن آنلاین" فرستاده است. قبل از آنکه نشر شود، فکر می‌کنم که جناب ایشان از طریق "ایمیل" و بعد از طریق "تلفون" صحبت کردند و ارسال زندگینامه مختصر را با عکس خواستند و از آنوقت بیعد، همکاری آغاز یافت. صحبت‌های زیادی که در قریب اضافه از یازده سال، در شرایط دشوار از طریق "سکایپ" و یا تلفون،

بدون سابقه آشنائی بین ما انجام یافته است، هیچ وقت مفهومی را از ایشان نشنیده ام که به معنی "نفرت در برابر بیگانه" و یا "ناسیونالیزم" تعبیر شده می توانست. برای این نویسنده تصویری از خود شان در بسیاری موضوعات حیاتی، به جای مانده است، که، مسبب خوشنودی و تأیید گردیده است، خاطرات ایشان را محفوظ نگه می دارم. چون حال حیات نیستند، نمی خواهم ترشحات ذهنی و تخیلی تبارز داده شود. ایشان آثار کافی از خود بجا مانده اند. نزد خود خاطراتی که از آشنائی با ایشان در حافظه دارم، چون دیگر در میان ما نیستند، فقط محفوظ است. روح ولی احمد نوری شاد باد و نام او را جاودان می خواهم

پایان

....



برای مطالب دیگر دوکتور محمد اکبر یوسفی روی عکس کلیک کنید

